

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بيع آلات لهو داراي منفعت محله

در بحث آلات لهو ، فرعی مطرح است . در آلاتی که مختص برای لهو است ، بلا اشکال معامله آنها هم به حرمت تکلیفی و هم به حرمت وضعی حرام است . اما آلات لهوی که منافع محلله هم دارد – که از آنها هم برای فساد استفاده شود و هم برای غیر فساد – مثلاً در جنگ یا در سرودهای مذهبی بکار برده شود ، آیا این ادله که دلالت بر حرمت بیع آلات لهو دارد – مثل اجماع و روایات عامه و روایت خاصه – این مورد را نیز شامل می شود یا نه؟

برسي ادله

اجماع ؛ چون دلیل لبی است ، قدر متیقنش جایی است که آلت مختص به لهو باشد . اما اگر وسیله ای هم برای لهو استفاده می شود و هم غیر لهو، مثلاً برای جنگ یا سرودهای دینی یا مثلاً در زمان ما در موالید ائمه (ع) یا برای احترام به يك شهیدی در تشییع او از اینها استفاده می کنند، بگوئیم این مانعی ندارد و اجماع شامل این مورد نمی شود . در روایات عامه ؛ مثل روایت تحف العقول يك تعبیر این بود که «ما یجی منه الفساد محضاً» چیزی که فساد محض بر او مترتب می شود ، الان فرض ما این است که يك آلتی داشته باشیم که فساد محض بر آن مترتب نیست ، بلکه هم فساد مترتب است و هم غیر فساد ، علاوه در خود روایت تحف العقول يك تعبیر دیگری داشت ؛ که «فيه جهة من جهات الصلاح» یعنی اگر يك شیء حرام باشد اما يك جهتی از جهات صلاح در آن باشد باز معامله روی آن مانعی ندارد. بنابراین از روایت تحف العقول استفاده می کنیم که این حرمت، اختصاص به جایی دارد که آلت لهو محض باشد. اما روایت خاصه ؛ که در آن این تعبیر بود «ان آلات المزامير شرائها و بيعها و ثمنها و التجارة بها حرام» . اگر کسی بگوید گرچه این روایت ضعیف السند است ولي مشهور طبق این روایت فتوا داده اند؛ مکرر گفتیم اگر مشهور بر طبق روایتی فتوا دهند ، ضعف سند آن روایت جبران می شود ، اما اگر بخواهیم این روایت را اخذ کنیم ، در این روایت دارد «آلات المزامير» یعنی هرچیزی که عنوان مزامر دارد ، مثل نی ، مطلقاً می فرمایند بیع ، شراء و تجارتش حرام است .

آیا می توان گفت این روایت به همان مزامیر زمان صدور روایت انصراف دارد؛ اولاً ؛ بعید نیست چنین بگوئیم که در زمان صدور این روایات ، مزامیر ، اوتار و معازف را فقط در فساد استفاده می کردند . بله ، طبل در آن زمان در جنگ استفاده می شده ، اما در خصوص طبل ، سیره بر این بوده که مانعی ندارد و استثناء می شود ، اما بقیه اختصاص به فساد داشته است . لذا حالا اگر از يك مزامری برای شعر مذهبی یا جنگ یا عزا استفاده کنند مانعی ندارد. ثانیاً اگر کسی بگوید بالاخره این روایت اطلاق دارد ، می گوید بیع و شراء آلات مزامیر حرام است ، ولي ما چون سند روایت تحف العقول را قبول کردیم ، می فرماید

اگر در يك چیزی جهتي از جهات صلاح باشد معامله روی آن صحیح است. روایت تحف العقول در مقام ضابطه است ، ولي روایت مستدرک ضابطه را که بیان نمی‌کند ، بلکه فرموده «ان آلات المزامیر شرائها ، بیعها ، ثمنها و التجارة بها حرام» ، بحث مصداقی کرده ، اما روایت تحف العقول در مقام اعطاء ضابطه معامله حلال و معامله حرام است . روایتی که در مقام بیان ضابطه است بر روایتی که در مقام ضابطه نیست مقدم می‌شود ، یعنی آن را تفسیر می‌کند ؛ می‌گوید آلات مزامیر در جایی حرام است که «لم یکن فيه جهة من جهات الصلاح» و «يجيء منها الفساد محضاً» . پس دو بیان آوردیم ؛ یکی اینکه بگوئیم در زمان صدور این روایات این آلات مختص به آلات فساد بوده ، لذا روایات مربوط به آلات مختصه است ، بیان دوم اینکه اگر کسی بیان اول را انکار کرد بگوئیم چون ما سند روایت تحف العقول را پذیرفتیم و در مقام اعطاء ضابطه است پس بر این روایت خاصه مقدم می‌شود . **هذا تمام الكلام در بحث آلات لهو** ، البته عرض کردم اینکه خود لهو چیست و آیا مطلقاً حرام است یا بعضی از مصداق آن حرام است ، بحثی است که ان شاء الله بیان خواهیم کرد.

حکم بیع ظروف طلا و نقره

مرحوم شیخ(قده) پس از بررسی حکم بیع هیاکل عبادت ، آلات قمار و آلات لهو ، بحث اوانی ذهب و فضة را مطرح میکنند و می‌فرمایند یکی از معاملات محرمة که حرمتش بخاطر این است که «لا یترتب علیه الا الحرام و لا یقصد منها الا الحرام» ، معامله روی ظروف طلا و نقره است. از نظر لغوی بین «اناء» و «ظرف» فرق وجود دارد ؛ «ظرف» اعم از «اناء» است ، «اناء» یعنی ظرفی که معدّ برای شرب و اکل است ، اما خود «ظرف» اعم است . در مورد اوانی ذهب و فضة ، بحث مفصلی در کتاب الطهارة مطرح است . در باب اوانی ذهب و فضة سه مبنا وجود دارد ؛ که آیا فقط اکل و شرب از اوانی ذهب و فضة حرام است؟ یا استعمال مطلقاً حرام است؟ یعنی برای اکل و شرب باشد ، یا برای وضو یا ظرف برای عطر استفاده کنید ، نیز حرام است . احتمال سوم ، که برخی بالاتر گفته اند ؛ نه تنها اکل و شرب و استعمال آن حرام است ، بلکه اقتناء و نگهداری آن – مثل تزئین اتاق – هم حرام است .

فرمایش مرحوم سید(قده) در عروة الوثقی

مرحوم سید(قده) در کتاب الطهارة عروة يك فصلی دارند بنام «فی حکم الاوانی» ، در آنجا در مسأله چهارم فرموده‌اند «یحرم استعمال أواني الذهب و الفضة فی الاكل و الشرب والوضوء و الغسل و تطهیر النجاسات و غيرها من سائر الاستعمالات ، حتي وضعها علي الرفوف للتزین بل یحرم تزئین المساجد و المشاهد المشرفة بها بل یحرم اقتنائها من غیر استعمال و یحرم بیعها و شراؤها و صیاغها و أخذ الاجرة عليها بل نفس الاجرة أيضا حرام لأنها عوض المحرم و إذا حرّم الله شيئاً حرم ثمنه» استعمال اوانی طلا و نقره در اکل و شرب حرام است و اگر کسی از آن وضو و غسل بگیرد نیز حرام است ، همچنین برای تطهیر نجاسات و غیر این استعمالات ، حتی قرار دادن آنها در رفوف برای تزئین حرام است – «رفوف» جمع راف است ، یعنی برآمدگیهایی که بالای اتاقها بود که يك مقدار وسایل آنجا قرار می‌دادند که در فارسی به آن تاقچه می‌گویند – ، و نیز تزئین مساجد و مشاهد مشرفه حرام است ، بلکه بالاتر ، اصلاً نگهداری آنها ولو هیچ استعمالی هم نکند ، این هم حرام است ، و در آخر فرموده خرید و فروش و نگهداری و اخذ اجرت بر آن حرام است . پس مرحوم سید(ره) چنین فتوای خیلی کلی را بیان می‌کنند .

فرمایش محشین عروة

برخی محشین عروة ، مثل والد بزرگوار(دام ظلّه) با سید(ره) موافقت کرده اند . اما برخی مخالفت کرده‌اند که بعضی از این

حاشیه‌ها را بیان می‌کنم . مرحوم آقای خوئی(قده) فرموده اند «الحکم بالحرمة فی غیر الاکل و الشرب مبنی علی الاحتیاط» یعنی ما در اکل و شرب فتوا به حرمت می‌دهیم اما در غیر اکل و شرب ، یعنی در استعمال در تزئین و اقتناء مبنی بر احتیاط است . مرحوم محقق اصفهانی(قده) و مرحوم آقای گلپایگانی(ره) نیز در نسبت به تزئین احتیاط کرده اند و فتوا به حرمت نداده‌اند . مرحوم آقای حکیم(ره) در حاشیه عروه فرموده‌اند «علی الاحوط فیه و فی ما بعده و ان کان الجواز لا یخلو من وجه» ایشان ابتدا احتیاط می‌کنند بعد فتوا می‌دهند که فقط اکل و شربش حرام است و غیر اکل و شرب هیچ اشکالی ندارد . مرحوم امام(ره) فرموده اند «الجواز غیر بعید» یعنی حکم به جواز در غیر اکل و شرب بعید نیست . عرض کردم در اکل و شرب هیچ کس تردید نکرده ، الا ظاهراً یکی از علمای اهل سنت که گفته اکلتش اشکال ندارد ، فقط شربش اشکال دارد ، در بعضی از روایات هم دارد «لا تشرب من آتیه الذهب و الفضة» . اینجا حاشیه دیگری از مرحوم آقای خوئی(ره) نقل کرده اند که با حاشیه قبلی مقداری ناسازگار است ، فرموده‌اند «الحکم بحرمته» یعنی حرمت قرار دادن این ظروف روی رفوف برای تزئین – و حرمة ما ذکر بعده محل اشکال بل منع» منع کرده اند، «و الاجتناب احوط و اولی» آنجا فرموده بودند حکم به حرمت در غیر اکل و شرب ، مبنی بر احتیاط وجوبی است ، ولی اینجا مثل امام(ره) فتوا داده‌اند که در غیر اکل و شرب ، احتیاط استحبابی است . فقهاء دیگری مثل مرحوم جواهری(ره) – که از فقهاء بزرگ بوده اند – فرموده اند «جواز تزئین المساجد و المشاهد المشرفة بها لا یخلو من قوة» . پس فتاوی عده ای از بزرگان را ملاحظه کردید .

روایات در مورد آوانی ذهب و فضة

اینجا مناسب است اشاره ای اجمالی به روایات کنیم – ولو باید در کتاب الطهارة بحث آن را مطرح کرد – تا ببینیم کسانی که قایل به تعمیم هستند و می‌گویند مطلق استعمال بلکه اقتناء حرام است دلیلشان چیست؟ در مورد «آوانی ذهب و فضة» شاید حدود ده روایت داشته باشیم ؛ در بعضی از این روایات ، بصورت مطلق از «آتیه ذهب و فضة» نهی شده است، کلمه اکل و شرب ندارد . در بعضی از روایات مثلاً در وسائل الشیعه، ابواب النجاسات ، باب 66، حدیث 1، صحیحہ حلبی «عن ابی عبدالله(ع) قال لا تأکل فی آتیه من فضة و لا فی آتیه مفضضة» از ظرف نقره و ظرفی که نقره کاری شده است نخور. آن روایتی که از آتیه ذهب و فضة بصورت مطلق نهی می‌کند ؛ حدیث چهارم ، باب 65 از ابواب النجاسات ، روایتی است که محمد بن مسلم از امام باقر(ع) نقل می‌کند ، که در سندش سهل بن زیاد است – که ما سهل بن زیاد را قبلاً بحث کردیم ، چون سهل بن زیاد در سند روایات بسیار زیادی قرار گرفته است ، ما روایت را قبول می‌کنیم و لذا این مطلب هم معروف است «الامر فی السهل سهل» – . پس روایت محمد بن مسلم مطلقاً از آتیه ذهب و فضة نهی می‌کند ، روایت صحیحہ حلبی دارد «لا تأکل» . باز در باب 65 ، حدیث 9 ، که همان روایت مناهی است ، پیامبر(ص) نهی فرموده «عن الشرب فی آتیه الذهب و الفضة» . در حدیث اول از باب 65 ، صحیحہ محمد بن اسماعیل بن بزيع از «ابی الحسن الرضا(ع) عن آتیه الذهب و الفضة فکرها» حضرت از این دو کراهت داشت – غالباً مراد از «کراهت» در اصطلاح روایات ، حرمت است ، بر خلاف کراهت در اصطلاح فقهاء که مرتبه‌ای پایینتر از حرام است . غالباً ماده «کره» در روایات در حرمت استعمال شده ، بطوری که اگر بخواهد در غیر حرمت استعمال شود نیاز به قرینه دارد، کما اینکه کلمه «لا ینبغی» هم در روایات همینطور است ، «لا ینبغی» در حرمت استعمال شده است الا آنجایی که قرینه داشته باشیم که غیر حرمت مراد است ، و نیز کلمه «لا یصلح» همینطور است. اینها چیزهای است که در روایات در يك معنای دیگری بر خلاف آنچه که مصطلح بین فقهاء است استعمال می‌شود – .

مستند روایی قائلین به حرمت مطلق

کسانی که قایل هستند که «استعمال آتیه ذهب و فضة مطلقاً حرام است» ؛ یکی به همین روایت صحیحہ محمد بن اسماعیل بن بزيع تمسک کرده‌اند که امام هشتم(ع) بصورت مطلق از آتیه ذهب و فضة کراهت دارد . دوم به روایت محمد بن مسلم که حدیث

چهارم است که نهی از آنیه ذهب و فضة است . سوم يك روايت ديگري است «عن موسى بن بكر عن أبي الحسن(ع) قال آنية الذهب و الفضة متاع الذين لا يقنون» آنیه ذهب و فضة متاع کسانی است که به خدا و معاد یقین ندارند . اگر فقیهی بتواند این سه روایت را جواب دهد، نتیجه این می‌شود که فقط اكل و شرب با آنیه ذهب و فضة حرام است ، ولي اگر نتواند جواب دهد باید بر طبق اینها فتوا دهد. بالاخره ما باید به روایات تعبد داشته باشیم، اگر نتوانیم از این روایات جواب دهیم، استعمال آنیه ذهب و فضة مطلقاً حرام می‌شود. نکته‌ای که باید در آن دقت کرد این است که در تمام این روایات «آنیه» وجود دارد، نمی‌گوید «الذهب و الفضة» بلکه می‌فرماید «آنیه الذهب و الفضة»، که «آنیه» را هم معنا کردیم «ظرف معدة للاكل و الشرب» .

بررسی روایات

اولاً این نکته را دقت کنید که اگر سؤال کنید که آیا بین این روایات تعارض است؟ دريك روايت از آنیه ذهب و فضة نهی کرده، در يك روايت از اكل آن نهی کرده است، در يك روايت ديگر از شرب آن نهی کرده است. می‌گوئیم در اصول خوانده اید همانطوری که بین مثبتین تعارض وجود ندارد، بین منفیین هم تعارض وجود ندارد، اگر يك روايت از یک شيء نهی کرد، مثلاً «نهی عن العذرة»، روايت ديگر آمد از بيع العذرة نهی کرد، روايت ديگر از شراء عذرة نهی کرد، بین اینها تعارض وجود ندارد. تعارض جایی است که هر کدام ديگری را تکذيب کنند نه اینکه يکي نهی مطلقى کرده ديگري آمده يکي از مصاديق همان مطلق را بيان می‌کند، در این صورت تعارضی وجود ندارد تا از راه حمل مطلق بر مقيد وارد شويم و بگوئيم روايت مطلق را بر روايت مقيد حمل کنیم.

وصل الله على سيدنا محمد و آله اجمعين.